

فصلنامه علمی - تخصصی اسلام پژوهان  
سال پنجم، شماره نهم، زمستان ۱۳۹۷

## نقش امام جواد علیه السلام در گسترش تشیع

صالح ویسی\*

### چکیده

عصر امامت امام جواد (ع) هم‌زمان با دو خلیفه عباسی (مأمون و معتصم) بود. در این دوره به علت ایجاد علاقه شخصی مأمون به علوم و با ایجاد «بیت‌الحکمه»، بحث و مناظرات علمی گسترش بیش‌تری یافت. از طرفی شاهد گسترش فرقه‌های مختلف از جمله: معتزله، زندقان، غالیان و اهل حدیث هستیم و از طرفی، فرقه‌های فقهی جدید اهل سنت یعنی شافعی و حنبلی ظهور یافتند. در این اوضاع که انواع فرقه‌های گوناگون گسترش یافته‌بودند، راهبردهای سیاسی - اجتماعی امام جواد (ع) و برخورد ایشان با این جریان‌های فکری، و در نهایت تداوم و گسترش تشیع از جمله موضوعات مهم در این عصر است. در این مقاله، سعی شده که عوامل گسترش تشیع که رابطه مستقیم با سیره امام جواد (ع) دارد بررسی و راهبردهای مدیریتی اجتماعی ایشان تبیین شود. این مقاله به روش توصیفی - تحلیلی و با تکیه بر منابع اصلی، گسترش تشیع در سیره امام جواد (ع) را بررسی می‌کند. واژه‌های کلیدی: امام جواد علیه السلام، سیره، تشیع، فرهنگ شیعی، گسترش.

---

\* دانش پژوه سطح سه، رشته تاریخ و سیره اهل بیت؛ مؤسسه آموزش عالی حوزوی امام رضا و طلبه حوزه علمیه قم، salehveasi@gmail.com

### أ. زندگی نامه

محمد بن علی بن موسی الرضا علیه السلام نهمین پیشوای شیعیان امامی مذهب و از برگزیدگان خدا برای هدایت امت نیای خویش می باشد. آن حضرت در ماه رمضان با اختلافاتی<sup>۱</sup> که در روز آن هست متولد شده و بنابر نظر تمامی کتب متقدم تولد ایشان در سال ۱۹۵ و رحلت آن در سال ۲۲۰ بوده است.<sup>۲</sup>

مادر آن حضرت سبیکه [سکینه] نوبیه و به روایت دیگر خیزران بوده که او را از خانواده ام المؤمنین ماریه قبطیه دانسته اند.<sup>۳</sup>

مشهورترین لقب امام، «جواد» است و القاب دیگری همچون: زکی، مرتضی، قانع، رضی، مختار، متوکل، منتجب نیز برای آن حضرت برشمرده اند. کنیه اش ابوجعفر است که معمولاً در روایات تاریخی ابوجعفر ثانی ذکر می شود تا با ابوجعفر اول، یعنی حضرت باقر علیه السلام اشتباه نشود. عمر آن حضرت ۲۵ سال بوده و پس از شهادت پدر بزرگوارش در سال ۲۰۳ تا ۲۲۰ امامت شیعه را بر عهده داشته است.<sup>۴</sup>

### ب. فضای سیاسی اجتماعی عصر امام (ع)

دوران عباسیان را دوران اقتدار حکومت اسلامی بخصوص در عصر امام رضا و امام جواد علیهما السلام بود و این دوران را به دلیل پیشرفت های علمی و دایر کردن بیت الحکمه و دارالترجمه ها از جانب مأمون، عصر شکوفایی اسلام نامیده اند. و بغداد پایتخت جهان

۱. اعلام الوری، ص ۳۴۴؛ المناقب، ابن شهر آشوب، ج ۴، ص ۳۷۹

۲. الکافی، ج ۱، ص ۴۹۲؛ الارشاد، ص ۲۹۷.

۳. تنها در مروج الذهب، سال رحلت، ۲۱۹ هجری ذکر شده که درست نیست. ج ۳، ص ۴۶۴

۴. الکافی، ج ۱، ص ۴۹۲؛ التهذیب، ج ۶، ص ۹۰

۵. المناقب، ج ۴، ص: ۳۷۹.

اسلام و بلکه پایتخت جهان بزرگترین شهری بود که مردان علم و سیاست از هر جای جهان به منظور به دست آوردن پستی در منصب‌های دولتی یا ارائه نیازهای کشورشان در زمینه‌های اداری و اقتصادی و علمی به آنجا روی می‌آوردند.<sup>۱</sup> از جمله مسائل مهمی که دربار حکومت با آن روبه‌رو بود حضور ترکان در مناصب دولتی و تسلط آنها بر عباسیان و بازیچه شدن خلیفه و دولت‌مردان که از زمان حکومت معتصم آغاز شد.<sup>۲</sup>

حکومت تنها با اختلافات درون دربار مواجه نبود بلکه با قیام‌های علویان که برگرفته از اندیشه‌سیاسی حضرات معصومان(ع) بوده‌است درگیری جدی داشت. از جمله این قیامها می‌توان به قیام محمدبن قاسم که از نوادگان امامسجاد (ع) بود اشاره کرد. ایشان در سال ۲۱۹ رقه را محل شورش خود قرار داد و افراد بسیاری را به دور خود جمع نمود و از آنجا به نزدیکی مرو در محلی به نام طالقان رفت و عده کثیری به دور وی جمع شدند و به امامت با او بیعت کردند. اما سرانجام به دست عبدالله بن طاهر والی خراسان دستگیر و به سامرا به نزد معتصم فرستاده شد و در نهایت خلیفه او را در زندان به شهادت رساند.<sup>۳</sup>

علاوه بر این موارد می‌توان به مسائلی چون انتقال مرکز خلافت از بغداد به سامراء و حضور چشم‌گیر زنان دربار در مسائل خلافت و جانشینی اشاره کرد که تفصیل آن از این بحث خارج است.

### ج. مسائل مهم و اساسی شیعیان

یکی از مسائل مهم در عصر امامجواد(ع) که بعدها در مباحث کلامی مربوط به امامت، جایگاه ویژه‌ای یافت، این بود که آیا ممکن است کسی پیش از بلوغ به مقام امامت برسد؟ این مسأله از آن هنگام که امامجواد علیه‌السلام در سال ۲۰۳ به امامت رسید، به صورت جدی‌تری در محافل علمی - کلامی امامیه مطرح شد و بعدها در سال ۲۲۰

۱. پژوهشی دقیق در زندگانی امام رضا علیه السلام، ج ۲، ص: ۲۸۱

۲. تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۵۰۶.

۳. همان، ج ۲، ص ۴۷۲؛ اصفهانی، مقاتل الطالبیین، ص ۴۶۴.



درباره امامت امام هادی علیه السلام و پس از آن حضرت مهدی علیه السلام نیز ادامه یافت.<sup>۱</sup>

اضطرابی که پس از رحلت امام رضا علیه السلام در میان شیعیان آن حضرت به وجود آمد، سبب شد تا برخی از آنها به دنبال عبدالله بن موسی برادر امام رضا علیه السلام بروند، ولی از آنجا که حاضر نبودند بدون دلیل، امامت کسی را بپذیرند، جمعی از آنها پیش وی سؤالاتی مطرح کردند و هنگامی که او را از جواب مسائل خود ناتوان دیدند، وی را ترک کردند.<sup>۲</sup>

با توجه به سن کم امام جواد علیه السلام این آزمایش از طرف شیعیان درباره آن حضرت ضرورت بیشتری پیدا می کرد. بر این اساس، در فرصتهای مختلف، آزمایش مزبور را درباره آن حضرت به عمل آورده و پس از آن، اکثریت قریب به اتفاق آنان - جز اندکی - با اطمینان خاطر، امامت او را پذیرفتند.

شیعیان در مجلسی گرد آمدند تا مسأله جانشینی را حل کنند. یونس بن عبدالرحمن که از شیعیان قابل اعتماد نزد امام رضا علیه السلام بود گفت: تا زمانی که این فرزند؛ یعنی امام جواد علیه السلام بزرگ شود باید چه کنیم؟ در این هنگام، ریّان بن صلت از جای خود برخاست و به اعتراض گفت: تو خود را در ظاهر مؤمن به امام جواد علیه السلام نشان می دهی ولی پیدا است که در باطن در امامت او تردید داری! اگر امامت وی از جانب خدا باشد، حتی اگر طفل یک روزه هم باشد به منزله شیخ است و چنانکه از طرف خدا نباشد، حتی اگر هزار سال هم عمر کرده باشد مانند سایر مردم است.<sup>۳</sup>

سرانجام در ایام حج، هشتاد نفر از علمای شیعه از بغداد و دیگر شهرها گرد هم آمده و عازم مدینه شدند. ابتدا پیش عبدالله بن موسی رفتند، ولی هنگامی که جوابهای خود را پیش او نیافتند، از وی روی برگردانده و به حضور امام جواد علیه السلام مشرف شدند. آن حضرت به سؤالات آنان پاسخ گفت و آنها از پاسخهای وی که نشان بارزی از امامت و علم الهی وی بود شادمان شدند.<sup>۴</sup>

۱. حیات فکری و سیاسی ائمه، ص: ۴۷۲

۲. المناقب، ج ۴، ص: ۳۸۲

۳. حیات فکری و سیاسی ائمه، ص: ۴۷۵

۴. بحار الانوار، ج ۵۰، صص ۹۹، ۱۰۰.



این رویه ادامه پیدا کرد تا در نهایت با امتحان‌های گوناگون و سؤال و جواب‌های فراوان زمینه برای نشر و گسترش هرچه بیشتر فرهنگ شیعی و به دنبال آن گسترش شیعیان گردید، چرا که موفقیت‌های امام (ع) در مناظرات و امتحان‌های مختلف دیگران را به اعجاب آورده و سبب شده تا همگان به لدنی بودن علم امام (ع) اذعان کنند و همچنین تبلیغات دستگاه خلافت بر علیه امام‌جواد (ع) به نفع جامعه شیعی و سبب شناخت هرچه بیشتر امام گردید. «عدو شود سبب خیر اگر خدا خواهد.»

#### د. راهبردهای امام برای گسترش تشیع

حضرات معصومان (ع) برای حفظ، بقاء و گسترش شیعیان دارای خط مشی واحدی بودند که به مقتضیات زمانی و شرایط مکانی و عرصه آزادی بیان و تبیین حقایق، و ظرفیت مخاطبان هم‌عصر خویش و مناسبات فرهنگی-اجتماعی، و روی کار آمدن حکومت‌های مختلف روش‌های ی ملازم با آن زمان انتخاب می‌نمودند. بر این مبنا می‌توان ادعا کرد که اگر هر یک از ائمه اثنا عشر(ع) در عصر امام‌جواد (ع) بودند همین برنامه‌ها را برای تداوم و گسترش اسلام انتخاب می‌کردند. و روایت «کلهم نور واحد»<sup>۱</sup> نیز بر همین اصل دلالت دارد.

#### هـ. مناظره‌های امام‌جواد (ع) زمینه تثبیت امامت

حضرت جواد (ع) در دوره‌ای می‌زیستند که فرقه‌ها و نحله‌های مختلف اسلامی و غیر اسلامی‌رشد یافته بودند و دانشمندان بزرگی در این دوران، زندگی می‌کردند ایشان با سن کمی که داشتند وارد بحث‌های علمی شدند و با سرمایه‌های خدایی امامت که از سرچشمه ولایت مطلقه و الهام ربانی گرفته بودند احکام اسلام و معارف ناب الهی را مانند پدران و اجداد بزرگوارشان گسترش دادند.

مناظره‌ها اولاً از طریق شیعیان و محبان برای بدست‌آوردن امام واقعی از میان مدعیان و ثانیاً از طریق حکومت بخصوص حکومت مأمون و معتصم که هم‌عصر حضرت (ع) بوده برای راستی‌آزمایی یا تحقیر و از میدان به‌درکردن حضرت امام‌جواد (ع) تشکیل می‌شد. یکی از دلایل عمده گسترش شیعه و توجه روزافزون به شیعیان همین مناظرات

۱. عیون أخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص: ۴۱۷

بودند که سبب شدند هر دو گروه به علم امام (ع) پی برده و برای ایشان جایگاه رفیعی در میان عالمان قرار دهند تا آنجا که حضرت توانسته بود در دل خلیفه وقت جا باز کرده و عقیده خود را به او بقبولاند و حتی اینکه تحلیل گران برخی رفتارهای مأمون را تحت تاثیر فرموده‌های ایشان می‌دانند.<sup>۱</sup>

مناظره با اشخاص بلندپایه علمی همچون یحیی بن اکثم و شکست ایشان چنان بازتابی در جامعه داشته که برخی افراد که در امامت ایشان تردید داشته‌اند را شیفته امام (ع) کرد.<sup>۲</sup>

در یکی از مناظرات، یحیی بن اکثم خطاب به امام جواد (ع) عرض کرد: ای پسر رسول خدا! نظر شما درباره روایتی که (در مدارک اهل سنت) نقل شده است: که جبرئیل به حضور پیامبر رسید و گفت: یا محمد! خدا به شما سلام می‌رساند و می‌گوید: من از ابوبکر راضی هستم، از او بپرس که آیا او هم از من راضی است؟ نظر شما درباره این حدیث چیست؟

امام فرمود: من منکر فضیلت ابوبکر نیستم، ولی کسی که این خبر را نقل می‌کند باید خبر دیگری را نیز که پیامبر اسلام در حجه الوداع بیان کرد، از نظر دور ندارد. پیامبر فرمود: کسانی که بر من دروغ می‌بندند، بسیار شده‌اند و بعد از من نیز بسیار خواهند بود. هر کس به عمد بر من دروغ ببندد، جایگاهش در آتش خواهد بود. پس چون حدیثی از من برای شما نقل شد، آن را به کتاب خدا و سنت من عرضه کنید، آنچه را که با کتاب خدا و سنت من موافق بود، بپذیرید و آنچه را که مخالف کتاب خدا و سنت من بود، رها کنید. و نیز افزود: این روایت با کتاب خدا سازگار نیست، زیرا خداوند فرموده است:

«وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ وَنَعَلْمُ مَا تُوسَّسُ بِهِ نَفْسُهُ وَنَحْنُ أَقْرَبُ إِلَيْهِ مِنْ حَبْلِ الْوَرِيدِ»

ما انسان را آفریدیم و می‌دانیم در دلش چه چیز می‌گذرد و ما از رگ گردن به او نزدیک‌تریم.<sup>۳</sup>

امام رضا و امام جواد علیهما السلام بر مبنای رسالت و امامت خویش با توجه به موقعیت کم‌نظیری که برای اولین بار در جهان اسلام به وجود آمده بود توانستند با

۱. الإحتجاج، ج ۲، ص: ۴۴۳

۲. الکافی، ج ۱، ص ۹۵؛ حیات فکری و سیاسی ائمه، جعفریان، ص: ۴۸۹.

۳. سوره ق، آیه ۱۶ و الإحتجاج، ج ۲، ص: ۴۴۷.



استفاده از روش مناظره، قلوب خفته را بیدار کرده و جایگاه امنی برای گسترش شیعه فراهم آورند.

### و. ازدواج حضرت (ع)

شیخ مفید نوشته است: مأمون، شیفته ابوجعفر (ع) بود. زیرا می‌دید آن امام با آن سن و سال اندک در فضل و حکمت و علم و آداب و کمال عقل تا چه اندازه پیش است. به طوری که هیچ‌کدام از مشایخ هم‌عصر آن حضرت با وی برابری نمی‌کردند. از این رو دختر خویش را به همسری امام جواد (ع) درآورد و در بزرگداشت و اکرام آن حضرت از هیچ کاری فروگذار نمی‌کرد.<sup>۱</sup>

هرچند امام علیه‌السلام به سبب شأن و جایگاه رفیع امامت در میان مسلمانان، بخصوص شیعه شناخته شده بودند اما می‌توان احتمال داد ازدواج امام (ع) که به اجبار مأمون صورت گرفت در میان بقیه مسلمانان نیز سبب شهرت حضرت (ع) گشت چرا که در برخی بلاد اسلامی مسلمانانی بودند که با شیعیان سروکار نداشتند و می‌توان تصور کرد که به جهت ازدواج حضرت (ع) با دختر خلیفه، شناخت نسبی حاصل شد تا آنجا که عباسیان از این وصلت احساس خطر نموده و در مورد مأمون گفتند که وی قصد دارد تا خلافت را از عباسیان به علویان انتقال دهد. ناظر به این مطلب در موقع خروج حضرت از کوفه رخ داد. در آن هنگام حضرت به همراه ام فضل به سوی مدینه حرکت کرد هنگام حرکت جمعیت انبوهی برای بدرقه ایشان به دنبال آنها به راه افتادند که از جمله آنها عباسیان بودند تا اینکه به دروازه کوفه کنار خانه مسیب رسیدند حضرت (ع) هنگام نماز مغرب پیاده شد و به مسجد درآمد. در صحن مسجد درخت سدر خشکیده‌یی بود که میوه هم نداشت. امام جواد (ع) کوزه آبی خواست و کنار آن درخت وضو گرفت و برخاست و با مردم نماز گزارد. بعد از نماز و نافله و سجده شکر از مسجد بیرون رفت، و چون در صحن مسجد به آن درخت سدر رسید مردم دیدند درخت بارور شده و میوه فراوان دارد، که مردم شگفت زده شدند! این جریان به خوبی نشان می‌دهد برخی از کسانی که به مشایعت امام (ع) آمده بودند شیعه نبودند و مشایعت امام به

۱۱۴



۱. الإرشاد فی معرفة حجج الله علی العباد، ج ۲، ص: ۲۸۲؛ سیره معصومان، ج ۵، ص: ۲۲۱

۲. الإرشاد فی معرفة حجج الله علی العباد، ج ۲، صص ۲۸۸ و ۲۸۹.

عنوان داماد خلیفه معرفتی نسبی برای آنها پدید آورد و دیدن این کرامت شعله‌ای برای شناخت بیشتر امام (ع) روشن کرد. بنابراین حضرت (ع) از هر موقعیتی برای انتشار علم امامت و تبیین معارف اسلامی استفاده نموده، و در نهایت موجبات گسترش تشیع را فراهم می‌آوردند.

### ز. گسترش علوم دینی

امام جواد (ع) پس از تثبیت امامت خود برای دفاع از کیان جامعه تشیع به اقدامات اساسی دست زدند که از جمله مهمترین آنها تربیت یارانی برجسته و شاگردان سرشناسی است که فرهنگ شیعی را در سرتاسر بلاد اسلامی منتشر ساخته و بدین‌وسیله موجبات حفظ و گسترش شیعه را فراهم می‌آوردند.

برخی از این شاگردان از مناطق مختلف به خدمت امام (ع) می‌رسیدند و به فراگیری علوم دینی می‌پرداختند و یا با توجه به سؤالاتی که برای آنها پیش می‌آمد به امام مراجعه می‌کردند و امام (ع) با تشکیل محافل علمی و یا از طریق نامه‌نگاری به سؤالات ایشان پاسخ می‌دادند.

با توجه به جوّ خفقان‌آور سیاسی- اجتماعی حکومت و کنترل شدید فعالیت‌های امام جواد (ع) از جانب دربار و وجود دختر مأمون به عنوان جاسوس در منزل حضرت (ع) و اینکه در خردسالی به امامت رسیده و مدت امامت ایشان هم کمتر از ائمه (ع) دیگر بوده برخی کتب رجالی شاگردان آن حضرت (ع) را تا ۱۱۶ نفر و برخی تا ۱۳۲ نفر برشمرده‌اند که از جمله آنها شخصیت‌های درخشان و برجسته‌ای چون علی بن مهزیار، حسین بن سعید اهوازی، احمد بن محمد بن خالد برقی و ... بوده‌اند که هر کدام در صحنه‌های علمی بسیار خوش درخشیده و دارای آثار ارزنده‌ای می‌باشند.<sup>۲</sup>

### ح. تداوم فعالیت‌های سازمان وکالت

اولین و مهم‌ترین ثمره جمع اموال و وجوه شرعی به وسیله تشکیلات وکالت، بهره‌گیری مبارزاتی از این اموال بود. البته مراد از مبارزه، نه فقط مبارزه مسلحانه و قیام رسمی است، بلکه فعالیت‌های زیرزمینی امامان شیعه علیهم‌السلام نیز از مصادیق بارز مبارزه بر

۱. حیاة الإمام محمد الجواد (ع)، صص ۱۲۸ تا ۱۷۸.

۲. رجال النجاشی، ص: ۷۶ تا ۷۸.



ضدّ خاندان عباسی بود. ایجاد و تقویت تشکیلات مخفی وکالت، که شبکه ارتباطی گسترده‌ای در سرتاسر جهان اسلام بین شیعیان و امامانشان برقرار می‌کرد، خود نوعی مبارزه بود؛ و طبیعی است که بخشی از اموال جمع‌آوری شده توسط کارگزاران سازمان وکالت می‌بایست مصروف قوام و دوام بخشیدن به فعالیت‌های خود سازمان شود. ائمه علیهم‌السلام تأمین مالی وکلا و کارگزاران سازمان وکالت را از محل درآمدهای خود سازمان انجام می‌دادند.<sup>۱</sup>

امام جواد (ع) در راستای بسط و گسترش فرهنگ ناب تشیع، کارگزاران و وکلایی را در مناطق گوناگون و قلمرو بزرگ عباسیان تعیین و یا اعزام نمود. ایشان در مناطقی چون اهواز<sup>۲</sup>، همدان<sup>۳</sup>، ری، سیستان، بغداد، واسط، سبسط، بصره<sup>۴</sup> و نیز مناطق شیعه‌نشین چون کوفه و قم<sup>۵</sup> دارای وکلایی کارآمد بود.

### ط. اجازه ورود به مناصب حکومتی

امام جواد (ع) در راستای نفوذ نیروهای شیعی در ساختار حکومتی بنی‌عباس برای یاری و گشایش امور شیعیان در مناطق گوناگون، به افرادی چون «احمد بن حمزه قمی» اجازه پذیرفتن مناصب دولتی داد، تا جایی که افرادی چون «نوح بن دراج» که چندی قاضی بغداد و سپس قاضی کوفه بود، از یاران حضرت (ع) به شمار می‌رفتند و فرزند ایشان از وکلای امام به شمار می‌رفت. کسانی از بزرگان و ثقات شیعه چون محمد بن اسماعیل بن بزیع (نیشابوری) که از وزرای خلفای عباسی به شمار می‌رفت، با حضرت در ارتباط بودند، وی از آن حضرت (ع) پیراهنی درخواست کرد که به هنگام مرگ به جای کفن بیوشد و حضرت درخواست او را اجابت نمود و برای او پیراهن خویش را فرستاد.<sup>۷</sup>

۱. سازمان وکالت، جباری، ج ۱، ص: ۲۹۷.

۲. رجال النجاشی، ص: ۲۵۳.

۳. رجال الکشی - اختیار معرفة الرجال، النص، ص: ۶۱۱.

۴. الکافی (ط - الإسلامية)، ج ۵، ص: ۳۱.

۵. رجال الکشی، النص، ص: ۵۰۳.

۶. رجال نجاشی، ص ۲۳۳.

۷. بحار الأنوار، ج ۷۸، ص: ۳۲۴.

حرکت امام جواد (ع) در چینش نیروهای فکری و سیاسی، حرکتی کاملاً محرمانه بود، تا جایی که وقتی به ابراهیم بن محمد نامه می نویسد، به او امر می کند که تا وقتی «یحیی بن ابی عمران» ( از اصحاب حضرت ) زنده است، نامه را نگشاید. پس از چند سال که یحیی از دنیا می رود ابراهیم بن محمد نامه را می گشاید که حضرت در آن به او خطاب کرده: مسؤولیتها و کارهایی که بر عهده «یحیی بن ابی عمران» بوده از این پس بر عهده توست.<sup>۱</sup>

این نشانگر آن است که حضرت برای گسترش تشیع در دیگر بلاد اسلامی در جو اختناق و خفقان حکومت بنی عباس عنایت داشت تا کسی از جانشینی نمایندگان وی اطلاعی حاصل نکند و آنها بتوانند مخفیانه، مسؤولیت خود را عملی کنند.

### ۵. پرداخت صله و هدایا

بزرگمنشی و سخاوت معصومان علیهم السلام ایجاب می کرد در موارد مناسب بخششها و عطایایی به افراد داشته باشند. کتب روایی مربوط به تاریخ معصومان علیهم السلام، سرشار از این سیره است. این صلهها گاه به شیعیان و اصحاب نزدیک، گاه به شعراء و اصحاب فضل، گاه به سادات و علویان، گاه به افراد تازه مسلمان و شیعه شده برای تألیف قلوب آنها، و گاه به برخی از شیعیان برای رفع مشاجرات مالی آنان پرداخت می شد. البته بدیهی است که در هریک از موارد یادشده، امام علیه السلام ضرورت یا مصلحتی را برای این پرداختها احساس می کرده اند که از جمله آنها پرداخت صله و هدیه به جناب دعبل است.<sup>۳</sup>

از آنجا که یکی از دستگاههای تبلیغاتی در آن عصر، شاعران بودند و گاه این اشعار در میان همگان به مثابه شعارهای امروزی رد و بدل می شدند می توان گفت که اشعار جناب دعبل به عنوان بهترین وسیله برای تبلیغ در عصر امام رضا و امام جواد علیهم السلام بوده است که حضرات ائمه (ع) نیز با دادن صلههای بسیار چون پیراهنی که امام رضا (ع) عطا نمود از ایشان تقدیر می نمودند.<sup>۴</sup>

۱. بصائر الدرجات، صص: ۲۶۲، ۲۶۳

۲. منهج السنه، ج ۴، صص ۶۸-۶۹.

۳. الخرائج و الجرائح، ج ۲، ص ۷۶۹؛ اعلام الوری، ج ۲، صص ۶۶ و ۶۷؛ بحار الانوار، ج ۴۹، ص ۵۶.

۴. بحار الأنوار، ج ۴۹، ص: ۲۴۰



برخی از منابع، دلیل ملقب شدن امام نهم شیعیان به جواد را، کثرت بخشش و احسان او به مردم دانسته‌اند.<sup>۱</sup> برای نمونه شیخ کلینی در کتاب شریف کافی درباره صله‌های امام جواد (ع) می‌گوید: ایشان ۳۰۰ دینار به ابوهاشم می‌دهد تا به برخی از نواده‌های امام کاظم (ع) تحویل دهد.<sup>۲</sup>

### ک. تقویت کانون‌های اجتماعی شیعیان

یکی از نیازهای اجتماعی جامعه تشیع در عصر امام جواد(ع) دارا بودن از مکان‌هایی جهت ارتباط بیشتر شیعیان بوده‌است. در این زمینه حضرت با ترغیب شیعیان به زیارت امام حسین (ع) و زیارت امام رضا (ع)<sup>۳</sup> در خراسان و حضرت معصومه (س) در قم<sup>۴</sup> و تأکید بر ادامه عزیمت به شهرهای ایران و بخصوص قم از راهبردهای حضرت برای پیداکردن کانون‌های اجتماعی برای شیعیان بوده‌است. از آنجا که مرکز خلافت به دلیل مسائل امنیتی و خفقان حکام عباسی جایی برای تشکیل کانون‌های اجتماعی نبوده و هرگونه تجمعی با سرکوب روبرو می‌شد امام جواد (ع) بر طبق احادیث نیاکان خویش (ع) دستور می‌داد که شیعیان به مناطق دیگر و بخصوص قم مهاجرت کنند تا از فشارهای عمال حکومت در امان باشند و در سایه امنیت بتوانند به مسائل فرهنگی و تبلیغی و نیز گسترش اسلام ناب که همان اسلام شیعی است بپردازند.

از جمله راهبردهای امام جواد (ع) برای گسترش شیعه تأکید بر زیارت قبور ائمه (ع) بوده‌است ایشان در این باره فرمود:

«مَنْ زَارَ قَبْرَ أَبِي بَطُّوسٍ غَفَرَ اللَّهُ لَهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ وَ مَا تَأَخَّرَ»<sup>۶</sup>

۱. حیاة الإمام محمد الجواد (ع)، ص: ۷۰.

۲. الکافی (اسلامیة)، ج ۱، ص: ۴۹۵.

۳. کامل الزیارات، ص ۳۰۳. «مَنْ زَارَ قَبْرَ أَبِي فَلَهُ الْجَنَّةُ»

۴. همان، ص ۳۲۴. «سَأَلْتُهُ عَنْ زِيَارَةِ فَاطِمَةَ بِنْتِ مُوسَى ع قَالَ مَنْ زَارَهَا فَلَهُ الْجَنَّةُ».

۵. بحار الأنوار (ط - بيروت)، ج ۵۷، ص: ۲۱۴ و ۲۱۵. «عن ابی الحسن الأول ع قال: قُمْ عَشْ آلِ مُحَمَّدٍ وَ مَاوَى شِيعَتِهِمْ) وَ (عن الصادق ع قال: إِذَا أَصَابَتْكُمْ بَلِيَّةٌ وَ عَنَاءٌ فَعَلَيْكُمْ بِقَمٍّ فَإِنَّهُ مَاوَى الْفَاطِمِيِّينَ وَ مُسْتَرَاِحَ الْمُؤْمِنِينَ»

۶. الکافی (ط - الإسلامية)، ج ۴، ص: ۵۸۵.

این امر سبب نگرانی دستگاه حکومت شد و رفت و آمدهای علویها بیش از پیش مورد توجه مأموران قرار گرفت و امام (ع) برای مقابله با آنها به صورت موقت شیعیان را از زیارت پدر بزرگوارشان منع می‌کردند<sup>۱</sup> و عکس‌العمل بسیار شدید متوکل در تخریب قبر و بارگاه امام حسین (ع) شاهد این کارکرد است.

البته در روایتی امام جواد (ع) ثواب زیارت قبر امام رضا (ع) را بیشتر از زیارت امام حسین (ع) می‌داند و دلیل این امر را این‌گونه بیان می‌فرمود:

«وَذَلِكَ أَنَّ أَبَاعَبْدِ اللَّهِ (ع) يَزُورُهُ كُلُّ النَّاسِ وَ أَبِي لَيَزُورُهُ إِلَّا الْخَوَاصُّ مِنَ الشَّيْعَةِ»<sup>۲</sup>.

برتری زیارت حضرت رضا (ع) به اعتبار تبلیغ و ترویج از مرام و مکتب شیعی است. عمل کسی که با زیارت خود به تبلیغ از مذهبی می‌پردازد از نظر امام جواد (ع) اسلام حقیقی است، کسی که در زمان امام جواد (ع) به زیارت امام رضا (ع) می‌رود، در حقیقت در برابر فرق و مذاهب دیگر تشیع اثناعشری را تبلیغ می‌کند، و این زیارت زمینه حفظ و گسترش شیعیان و را در پی دارد و شاهد دیگر این مدعا تعداد بسیاری از مبلغان و ترویج‌دهندگان تشیع در بلاد اسلامی و وجود با برکت صدها امامزاده در قم و شهرهای دیگر می‌باشد که هر کدام از آنها در زمان حیات خود کانون‌های شیعی را تشکیل می‌دادند.

### م. تأثیر نصایح امام (ع) بر روابط

اقدامات نهمین پیشوای شیعیان در زمینه آماده‌کردن جامعه برای دوران غیبت امام زمان (ع) و نیز نصایح ایشان مردم جامعه را بر آن داشته که در بین خود مراوداتی داشته‌باشند، حضرت در این باره می‌فرمایند:

«ملاقات و دیدار با دوستان و برادران [خوب]، سبب صفای دل و نورانیت آن می‌گردد و موجب شکوفایی عقل و درایت خواهد گشت؛ گرچه در مدت زمانی کوتاه انجام پذیرد.»<sup>۳</sup>

۱. الکافی (ط - الإسلامية)، ج ۴، ص: ۵۸۴

۲. همان، ج ۴، ص: ۵۸۴

۳. الأملی (للمفید)، ص: ۳۲۹، «مُلَاقَاةُ الْإِخْوَانِ نُشْرَةٌ وَ تَلْفِيحٌ لِلْعَقْلِ وَ إِنْ كَانَ نَزْرًا قَلِيلًا»



و نیز برای مرادده و رفاقت با افراد مختلف می‌فرمایند:  
«از مصاحبت و دوستی با افراد شرور بگریز؛ زیرا او همانند شمشیری  
زهرآلود، برآق است که ظاهرش زیبا و اثراتش ناپسند خواهد بود»<sup>۱</sup>.

### ن. موضع‌گیری در برابر فرقه‌های باطل

در عصر امام‌جواد (ع) فرقه‌های اهل‌حدیث، واقفیه، زیدیه و غلات فعالیت‌هایی داشتند تا دیگران را تحت تاثیر خود قرار داده و عقاید باطل خود را ترویج دهند. امام (ع) برای انسجام شیعیان و به انحراف نرفتن آنها به مناسبات مختلف عقاید فرقه‌های منحرف را تبیین می‌کردند و شیعیان را از آنها برحذر می‌داشتند تا آنجا که نماز خواندن پشت سر این فرقه‌ها را جایز نمی‌شمردند<sup>۲</sup> و واقفیه و زیدیه را هم ردیف نواصب قرار می‌دادند.<sup>۳</sup>  
از جمله اقدامات بسیار مهم حضرت (ع) در برابر فرقه‌های باطل و افراد منحرف لعن و طرد کردن و از بین بردن آنها بود. ابوالخطاب از جمله افرادی بود که مورد لعن امام (ع) قرار گرفت و حضرت اصحاب و یاران او را نیز لعن نمودند. و در اقدامی به قتل رساندن دو نفر «ابوالسمه‌ری و ابن‌ابی‌الزرقاء» از غلات را جایز دانستند و برای کسانی که بتوانند به این مهم دست یابند بهشت را تضمین کردند، و دلیل آن را این‌گونه بیان فرمودند:

«إِنَّهُمَا فَتَانَانِ يَفْتِنَانِ النَّاسَ وَيَعْمَلَانِ فِي خَيْطِ رَقَبَتِي وَ رَقَبَةِ مَوَالِي، فَدِمَاؤُهُمَا هَدْرٌ

لِلْمُسْلِمِينَ، وَإِيَّاكَ وَ أَلْفَتَكَ الِي آخِرِ رَوَايَةٍ»<sup>۴</sup>

«فَقُلْتُ لَهُ جَعَلْتُ فِدَاكَ يَحِلُّ لِي قَتْلُهُمَا»

اسحاق انباری می‌گوید: جانم فدای شما! چکار کنم؟! آیا خونشان بر من حلال است؟

«فَقَالَ: إِنَّهُمَا فَتَانَانِ يَفْتِنَانِ النَّاسَ وَيَعْمَلَانِ فِي خَيْطِ رَقَبَتِي وَ رَقَبَةِ مَوَالِي»

۱. الدر النظیم فی مناقب الأئمة اللہامیم، ص: ۷۱۶، بحار الأنوار (ط - بیروت)، ج ۷۱، ص: ۱۹۸ «إِيَّاكَ وَ مُصَاحِبَةَ الشَّرِيرِ فَإِنَّهُ كَالسَّيْفِ الْمَسْلُوبِ يَحْسُنُ مَنَظَرَهُ وَ يَقْبَحُ أَثَرُهُ»
۲. من لا يحضره الفقيه، ج ۱، ص: ۳۷۹ «أَيَجُوزُ جَعْلُ فِدَاكَ الصَّلَاةَ خُلْفًا مَنْ وَقَفَ عَلَى أَبِيكَ وَ جَدِّكَ ع فَأَجَابَ لَا تُصَلِّ وَرَاءَهُ»
۳. رجال الكشي، ص: ۲۲۹
۴. همان، صص ۵۲۸ و ۵۲۹
۵. همان، ص: ۵۲۹.



سپس می‌فرماید:

«فَدِمَاؤُهُمَا هَدْرٌ لِّلْمُسْلِمِينَ»

بر هر مسلمانی واجب است که این سران فتنه را از جامعه بردارند و نابود کنند.

### س. سفارشی امام علیه السلام به پرهیز از ترور

«وَإِيَّاكَ وَالْفِتْكَ!»

مبادا او را ترور کنی و ناگهانی بکشی.

«فَإِنَّ الْإِسْلَامَ قَدْ قِيدَ الْفِتْكَ»

زیرا اسلام با هرگونه ترور مخالف است.

«وَ أَشْفَقُ إِنْ قَتَلْتَهُ ظَاهِرًا أَنْ تُسَأَلَ لِمَ قَتَلْتَهُ»

مردانه جلوی او بایست و او را بکش و مواظب باش که کشتن او موجب قتل تو نشود و انسان مؤمن به خاطر یک فتنه‌گر کشته نشود.

### نتیجه گیری

امام جواد (ع) فعالیت‌های چشم‌گیری برای گسترش شیعه انجام داده‌اند. ایشان در کنار حکام و خلفای سنگدل و متعصبی چون مأمون و معتصم توانسته‌اند همچون اسلاف خویش جامعه شیعی را رهبری نمایند. حضرت (ع) با راهبردهای مهندسی در مناظراتی که از جانب حکومت تحمیل می‌شد توانستند امامت خویش را تثبیت و علوم شیعی را نشر و گسترش دهند. همچنین با پرورش شاگردان برجسته در ابواب مختلف علمی، دین اسلام و بخصوص فرهنگ شیعی را برای اقصا نقاط بلاد اسلامی تبیین نموده و موجب فراگیری علوم شیعی و در نهایت گسترش تشیع شدند.

تداوم و انسجام فعالیت‌های سازمان وکالت و پرداختن به مسائل مالی همچون خمس در عصر امام (ع) به وضوح دیده می‌شود «تا آنجا که برخی به اشتباه شروع مسأله خمس را از زمان ایشان قلمداد می‌کنند» که حضرت (ع) برای سروسامان دادن به حوائج شیعیان و مؤلفه قلوبهم آنها را صرف می‌کردند.

۱. مقاله بررسی تاریخی وضعیت خمس در عصر ائمه (ع)، محمد جواد یآوری، محمد رضا جباری، تاریخ در آینه پژوهش ۱۳۹۲.



امام(ع) برای پیشبرد اهداف خویش برخی از اصحاب و یاران برجسته را توصیه می‌کرد از مرکز خلافت و شهرهای مکه و مدینه که فضای سیاسی و رعب‌انگیزی برای شیعیان داشت دور شوند و برای تشکیل و تقویت هرچه بیشتر کانون‌های شیعی به دیگر بلاد اسلامی مهاجرت نمایند. اصحاب حضرت(ع) نیز برای گسترش تشیع به نقاط مختلف سرزمین‌های اسلامی به ویژه ایران مهاجرت می‌کردند.

## فهرست منابع

۱. الإحتجاج، احمد بن علی طبرسی، ناشر: مرتضی، مشهد، ۱۴۰۳ ق، چاپ: اول.
۲. الإرشاد، شیخ مفید، ناشر: کنگره شیخ مفید، قم، ۱۴۱۳ ق، چاپ: اول.
۳. إعلام الوری، فضل بن حسن طبرسی، ناشر: آل البيت، قم، ۱۴۱۷ ق، چاپ: اول.
۴. الأمالی (للمفید)، مفید، محمد بن محمد، محقق / مصحح: استاد ولی، حسین و غفاری علی اکبر، ناشر: کنگره شیخ مفید، قم، ۱۴۱۳ ق، چاپ: اول.
۵. بحار الأنوار، علامه مجلسی، ناشر: اسلامیة، تهران، ۱۳۶۳ ش، چاپ: دوم.
۶. بصائر الدرجات، محمد بن حسن صفار، ناشر: مکتبۃ آیة الله المرعشی النجفی، قم، ۱۴۰۴ ق، چاپ: دوم.
۷. پژوهشی دقیق در زندگانی امام رضا علیه السلام، باقر شریف قرشی، مترجم سید محمد صالحی، ناشر: اسلامیة، تهران، ۱۳۸۲ ش، چاپ: اول.
۸. تاریخ الیعقوبی، احمد بن ابی یعقوب بن جعفر بن وهب واضح الکاتب العباسی المعروف بالیعقوبی (م بعد ۲۹۲)، بیروت، دار صادر، بی تا.
۹. تهذیب الأحکام (تحقیق خراسان)، طوسی، محمد بن الحسن، محقق / مصحح: خراسان، حسن الموسوی، ناشر: دار الکتب الإسلامیه، تهران، ۱۴۰۷ ق، چاپ: چهارم.
۱۰. حیاة الإمام محمد الجواد (ع)، باقر شریف قرشی، ناشر: امیر، ۱۴۱۸ ق، چاپ: دوم.
۱۱. حیات فکری و سیاسی ائمه، رسول جعفریان، ناشر: انصاریان، قم، ۱۳۸۱ ش، چاپ: ششم.
۱۲. الخرائج و الجرائح، قطب راوندی، ناشر: مدرسه الإمام المهدي عجل الله تعالی فرجه الشریف، قم، ۱۴۰۹ ق، چاپ: اول.
۱۳. الدر النظیم، جمال الدین یوسف بن حاتم شامی، ناشر: جامعه مدرسین، قم، ۱۴۲۰ ق، چاپ: اول.
۱۴. رجال الکشی، محمد بن عمر کشی، ناشر: دانشگاه مشهد، مشهد، چاپ: ۱۳۴۸ ش.
۱۵. رجال النجاشی، احمد بن علی نجاشی، ناشر: جامعه مدرسین، قم، چاپ: ۱۴۰۷ ق.
۱۶. سازمان وکالت، محمدرضا جباری، ناشر: مؤسسه آموزش پژوهشی امام خمینی قدس سره، قم، ۱۳۸۲ ش، چاپ: اول.
۱۷. سیره معصومان، سید محسن امین عاملی، مترجم علی حجتی کرمانی، ناشر: سروش، تهران، ۱۳۷۶ ش، چاپ: دوم.
۱۸. عیون أخبار الرضا (ع)، شیخ صدوق، ناشر: نشر جهان، تهران، ۱۳۷۸ ق، چاپ: اول.
۱۹. الکافی (اسلامیة)، شیخ کلینی، ناشر: اسلامیة، تهران، ۱۳۶۲ ش.





۲۰. کامل الزیارات، ابن قولویه قمی، ناشر: دار المرتضویه، نجف، چاپ: ۱۳۵۶ ق.
۲۱. مروج الذهب و معادن الجواهر، أبو الحسن علی بن الحسین بن علی المسعودی (م ۳۴۶)، تحقیق اسعد داغر، قم، دار الهجرة، چ دوم، ۱۴۰۹.
۲۲. مقاتل الطالبیین، ابوالفرج اصفهانی، ناشر: دار المعرفة، چاپ: بیروت.
۲۳. مقاله بررسی تاریخی وضعیت خمس در عصر ائمه(ع)، محمد جواد یآوری، محمد رضا جباری، تاریخ در آینه پژوهش، سال اول، بهار و تابستان ۱۳۹۲
۲۴. من لایحضره الفقیه، ابن بابویه، محمد بن علی، محقق / مصحح: غفاری، علی اکبر، ناشر: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم، ۱۴۱۳ ق، چاپ: دوم.
۲۵. المناقب، ابن شهر آشوب مازندرانی، ناشر: علامه، قم، ۱۳۷۹ ق.
۲۶. منهاج السنه، ابن تیمیه، تحقیق: محمد رشاد سالم.